

انتخابات در ایران پوچ و بی معنی است!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

در جامعه ای که آزادی های فردی و جمعی، آزادی بیان، قلم، اندیشه و تشکل وجود ندارد و هر حرکت اعتراضی و بر حق کارگران، زنان، دانش جویان، جوانان، نویسندگان، روزنامه نگاران و هنرمندان را شدیداً سرکوب می کنند؛ زندان و شکنجه و اعدام نسبت به سال های گذشته، با شدت بیش تری در جریان است؛ فقر و فلاکت اقتصادی، بی کاری، گرانی و آسیب های اجتماعی نیز نفس گیر است، چگونه می توان در آن جامعه، دم از انتخابات زد؟! روز شنبه سوم دی ماه ۱۳۹۰، ثبت نام از داوطلبان نمایندگی دوره نهم مجلس شورای اسلامی آغاز شده و تا پایان روز جمعه به مدت هفت روز ادامه خواهد داشت. انتخابات مجلس نهم، روز ۱۲ اسفند ماه سال جاری برگزار می شود.

ستاد انتخابات وزارت کشور حکومت اسلامی، می گوید براساس قانون انتخابات مجلس، حداقل سن برای داوطلبان انتخابات مجلس نهم سی سال و حداکثر هفتاد و پنج سال است. قانون انتخابات، دیگر شرایط برای انتخاب شوندها را «اعتقاد و التزام عملی» به اسلام و حکومت اسلامی، «وفاداری به قانون اساسی و اصل مرفقی ولایت فقیه»، نداشتن «سوء شهرت در حوزه انتخابیه» و داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا معادل تعیین کرده است. براساس قانون انتخابات حکومت اسلامی ایران، وزارت کشور ابتدا صلاحیت عمومی داوطلبان را مورد بررسی قرار می دهد و پس از تایید آن گاه شورای نگهبان تصمیم نهایی در خصوص حضور داوطلبان در انتخابات را اتخاذ خواهد کرد.

پیشاپیش احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، روز جمعه از کسانی که شرایط مندرج در قانون انتخابات را ندارند خواست تا از ثبت نام خودداری کنند. جنتی گفت: «کسانی که می خواهند ثبت نام کنند، ابتدا باید ماده ۲۸ قانون اساسی را در مورد شرایط داوطلبان بخوانند و اگر بین خود و خدای خود متوجه شدند، شرایط لازم را ندارند، نیابند و آبروی خود را نریزند و همین طور وزارت کشور و شورای نگهبان و مردم را معطل خود نکنند.» نقش شورای نگهبان در بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات، رد صلاحیت های گسترده است تا نهایتاً فقط افراد نزدیک به حکومت بتوانند از صافی این شورا بگذرند.

بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا»، در سال ۱۳۸۶ در انتخابات مجلس هشتم، ۷ هزار و ۵۹۷ داوطلب نمایندگی مجلس برای شرکت در انتخابات مجلس هشتم ثبت نام کردند که براساس گزارش رسانه های ایران، سه هزار نفر از این داوطلبان انتخابات مجلس رد صلاحیت شدند.

به این ترتیب، داوطلبان نخست از صافی های مختلفی نظیر وزارت کشور، وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج، امام جمعه ها، کمیته های محل می گذارند و سپس آن ها در شورای نگهبان، از آخرین صافی اختناق و سانسور می گذارند. در واقع کسانی که در لیست انتخابات باقی می مانند طرفدار حکومت اسلامی و اکنون طرفدار جناح علی خامنه ای هستند. چون که در دو سال اخیر، اصول گرایان به دو جناح تقسیم شده اند که یک جناح آن طرفدار احمدی نژاد است که «فنته گران» نامیده می شوند. جناح اصلاح طلب حکومت نیز اعلام کرده است که در این انتخابات شرکت نمی کنند.

علی محمد غریبانی، رییس دوره ای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات، در ۲۳ آذرماه سال جاری گفته بود، اصلاح طلبان در انتخابات مجلس نهم شرکت نمی کنند و در این انتخابات «از هیچ کس حمایت نمی کنند.» محمد خاتمی، رییس جمهور سابق ایران، نیز هفته گذشته گفته بود، شرکت در این انتخابات «بی معنا است.» محمد خاتمی، سال گذشته سه پیش شرط برای حضور اصلاح طلبان در انتخابات مجلس نهم مطرح کرده بود. او، خواهان «پای بندی همگان به قانون اساسی و فراهم شدن امکان برگزاری انتخابات سالم و آزاد» شده بود. پیش شرط های محمد خاتمی برای حضور اصلاح طلبان در انتخابات با واکنش تند مقامات حکومتی و اصول گرایان مواجه شد و احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، در واکنش به اظهارات رییس جمهور سابق ایران گفته بود: «اصلاً نیازی به حضور این عده در انتخابات نیست.»

در حالی اصلاح طلبان حکومتی می گویند در انتخابات شرکت نمی کنند که اختلاف نظر بین اصول گرایان برای ارائه یک لیست واحد برای انتخابات مجلس نهم هم چنان ادامه دارد. دو جریان اصلی اصول گرایان، یعنی گروه ۷+۸ با محوریت محمدرضا مهدی کنی، رییس فعلی مجلس خبرگان و جبهه پایداری به محوریت محمدتقی مصباح بزدی، تاکنون نتوانسته اند به توافقی برای ارائه یک لیست مشترک برسند.

هیچ کدام از انتخابات سه دهه گذشته حکومت اسلامی، حتی کم ترین شباهتی نیز به انتخابات ترکیه و پاکستان نداشته اند. چرا که هر انتخابات، قوانین خودش را دارد و اگر رعایت نشود چنین انتخاباتی بی معنی و پوچ است. در انتخاباتی که احزاب و سازمان ها و تشکل های دموکراتیک کارگران، زنان، دانش جویان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان آزاد نباشند؛ آزادی رای دادن و آزادی کاندید شدن وجود نداشته باشد؛ رسانه ها آزاد نباشند و...، انتخابات در چنین کشوری، به معنای واقعی فرمایشی و فرمالیته و انتصابات است نه انتخابات. به عبارت دیگر، انتخابات در حکومت اسلامی ایران، نخست در شورای نگهبان انجام می گیرد و سپس به مردم می گویند از میان نمایندگان منتخب شورای نگهبان، به هر کدام رای دادید فرقی نمی کند چرا که داوطلبان اعلام شده از سوی شورای نگهبان، همگی مسلمان و طرفدار حکومت اسلامی و ولایت فقیه هستند.

از سوی دیگر، حکومت اسلامی این بار تمام نیروی های سرکوب خود به ویژه سپاه و بسیج و امنیتی ها را بسیج کرده است تا انتخابات مجلس نهم، یعنی نخستین انتخابات پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸، باعث ناآرامی ها و اعتراضات گسترده در تهران و شهرهای ایران نشود.

با نزدیک تر شدن به زمان برگزاری انتخابات مجلس و نگرانی مقامات ارشد حکومت اسلامی از تکرار اعتراضات انتخاباتی مانند آن چه در سال ۸۸ و ۸۹ پس از نهمین انتخابات ریاست جمهوری رخ داد، فرمانده نیروی انتظامی کشور ضمن تعیین خط و خطوط امنیتی برای نامزدان نمایندگی مجلس از «آماده باش» نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی برای برخورد با ناآرامی های احتمالی در روزهای انتخابات نهمین دوره مجلس و پس از آن خبرداد.

اسماعیل احمدی مقدم، طی همایشی تحت عنوان «عملیات فرماندهی انتظامی استان های سراسر کشور»، گفت: «درست است که طرح ریزی های دشمن و امتدادهای داخلی آن ها در انتخابات سال ۸۸ کام مردم را تلخ و کشور را مدتی مشغول کرد و خساراتی هم به بار آورد اما انتخابات مجلس با انتخابات سال ۸۸ متفاوت است و بیش تر محلی است که باید از تجربیات انتخابات گذشته در راستای تامین هرچه بهتر امنیت آن استفاده نمایم.» فرمانده نیروی انتظامی در ادامه از آماده باش همه نیروهای نظامی، امنیتی و انتظامی برای برگزاری انتخابات خبرداد و افزود: «نیروی انتظامی از آمادگی کامل برای تامین امنیت این انتخابات برخوردار است و خوشبختانه هماهنگی های لازم با واحدهای امنیتی از جمله وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج، وزارت کشور و دیگر سازمان های ذیربط صورت گرفته است.»

اظهارات اخیر فرمانده نیروی انتظامی کشور پس از آن مطرح می شود که حامنه ای رهبر حکومت اسلامی، در ۹ شهریور ماه سال جاری به صراحت نگرانی خود از برگزاری انتخابات مجلس، آن هم پس از انتخابات مناقشه برانگیز ریاست جمهوری در سال ۸۸ را اعلام کرده و هشدار داده بود که «انتخابات، تجلی حضور مردم، مظهر مردم سالاری دینی و ذخیره و پشتوانه امنیت کشور است و باید مراقب بود که این پشتوانه بزرگ، به چالشی برای امنیت کشور تبدیل نشود.»

پس از این ابراز نگرانی و هشدار، مقامات مختلف نظامی، امنیتی و انتظامی نیز ضمن ابراز هشدارهایی درباره انتخابات مجلس در اسفند ماه سال جاری نسبت به امنیت و چالش برانگیز بودن این انتخابات اظهارات مختلفی داشته اند.

در هفته نخست آذر ماه حیدر مصلحی وزیر اطلاعات حکومت اسلامی، در همین راستا طی اظهاراتی اعلام کرد که «دشمن به طور جدی برای این انتخابات طراحی کرده است و ما نسبت به این مساله هشدار می دهیم؛ البته این به معنی ترس نیست؛ چرا که بر تمام حرکت های دشمن اشراف کامل داریم و حوادث سال ۸۸ برکات زیادی برای ما داشت.»

حیدر مصلحی که در فروردین ماه پس از اخراج از کابینه توسط خامنه ای در سمت خود در دولت ابقاء شده است، هم چنین تاکید کرده بود: «دشمن در استراتژی حداقلی خود به دنبال تغییر رفتار نظام است و البته با رهبری مقام معظم رهبری در انتخابات ریاست جمهوری نهم یک دگرگونی جدی به وجود آمد و مجددا برنامه های دشمنان به هم ریخت و دستگاه های مدیریتی کشور دچار تحول شد، ولی دشمن به هیچ وجه از برنامه های خود در این زمینه دست بر نداشت.»

هم زمان با این اظهارات وزیر اطلاعات، جانشین فرمانده کل نیروی انتظامی نیز اعلام کرد: «اگر چه زود است درخصوص برگزاری انتخابات صحبت کنیم اما هیچ نگرانی در خصوص امنیت برگزاری انتخابات نخواهیم داشت. نیروی انتظامی در تامین امنیت توأم با اقتدار در انتخابات آینده حضور فعال و جدی خواهد داشت و در صورتی که نیاز به کمک باشد، نیروی انتظامی این کمک را با تمام امکانات خود ارائه خواهد کرد.»

اخطار در مورد انتخابات مجلس نهم را معاون اول قوه قضائیه، حجت الاسلام ابراهیم ریسی، روز یکشنبه ۲۹ خرداد سال جاری (نوزدهم ژوئن ۲۰۱۱)، به دولت داده است. ریسی در نشست خبری خود گفته است: «دولت نشان دهد که در انتخابات دخالت نمی کند.»

پیش تر علی لاریجانی، رئیس مجلس و احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان درباره دخالت دولت در انتخابات مجلس هشدار داده اند.

احمد جنتی از «جریان منحرفی» سخن گفته است که به توصیف او، می خواهد با پول های کلان مجلس را قبضه کند.

اصول گرایان منتقد دولت از اسفندیار رحیم مشایی، رئیس دفتر ریاست جمهوری به عنوان «جریان انحرافی» نام می برند.

اما به احتمال زیاد، نیروهای مردمی و در پیشاپیش همه نیروی جوان بی کار و پرانرژی خود را آماده می کنند تا بار دیگر به بهانه مضحکه انتخابات، به خیابان ها بریزند و با شعارهایی چون «زنده باد بهار عربی»، «زنده باد جنبش وال استریت را اشغال کنید»، «سرنگون باد حکومت اسلامی»، «زنده باد انقلاب»، «زنده باد جنبش کارگری کمونیستی»، «کارگر دانش جو اتحاد اتحاد» و...، خیابان ها، دانشگاه ها، مراکز کار و محلات را تسخیر خواهند کرد!

دوره حاضر، دوره سقوط دیکتاتورهاست. از این رو، در ایران نیز بحث و فکر اصلی بسیاری از فعالین کارگری، زنان، دانش جویان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان بر سر تغییر حکومت چهل و جنایت و ترور اسلامی از طریق انتخابات نیست، بلکه بر سر تغییر آن است. به خصوص این که بخشی از حکومت نیز به این نتیجه رسیده اند که نمی توانند از طریق انتخابات سهم از دست رفته خود در حاکمیت را پس بگیرند تا چه برسد به اکثریت شهروندان جامعه مان که بیش از سه دهه است با سرکوب و ستم و استثمار وحشیانه همه جناح های حکومت اسلامی دست به گریبان بوده اند. بنابراین، کسانی و جریاناتی که بحث انتخابات آزاد در حکومت اسلامی را مطرح می کنند عموماً گرایشات راست و لیبرال هستند که با انقلاب سیاسی - اجتماعی مخالفند.

بحران تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روابط بین المللی حکومت اسلامی را فراگرفته است. امسال اعدام ها سه برابر شده است. البته اعدام های مخفیانه نیز در زندان ها صورت می گیرد که در آمارها محسوب نمی شوند. بیش از ده میلیون بی کار هستند و سالانه حدود یک میلیون نفر به آمار بی کاران افزوده می شود. حدود پنجاه میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر و یا در شرایط اقتصادی شکننده ای زندگی می کنند. دستمزدهای ناچیز کارگران به موقع پرداخت نمی گردد. حدود هفت میلیون کودک ایرانی به دلیل فقر و نداری از تحصیل محروم مانده اند و بسیاری از آن ها به ناچار راهی بازار کار بی رحم شده اند. کم نیستند جوانانی که کلیه و اعضای بدن خود را می فروشند تا چند صیاحی زندگی پرمشقت خود را تأمین کنند. سال هاست که تن فروشی، اعتیاد، خودکشی و ناراحتی های روحی و روانی در جامعه ایران، خط قرمزها را پشت سر گذاشته و زنگ خطرها به صدا درآمده اند. نرخ متوسط بی کاری و تورم هر یک، حدود بیست و پنج تا سی درصد است! بنابراین، همه داده ها و تحلیل ها و آمارها حاکی ست که بخش اعظم سرمایه های کشور در دست اقلیتی سرمایه دار و اغلب نزدیکان و وابستگان سران و مقامات و مسئولیت حکومتی متمرکز شده و شکاف طبقاتی در ایران، روزبروز در حال گسترش و عمیق تر شدن است.

در چنین شرایطی، کارد به استخوان مردم رسیده و اکثریت مردم ایران، همواره در استرس و نگرانی به سر می برند. تشدید تحریم های اقتصادی بین المللی و احتمال حمله نظامی نیز بیش از پیش مردم ایران را در رعب و هراس بیش تری قرار داده است. آن چه که اکنون می تواند جامعه ایران را از خطرات مختلف خارجی و به ویژه از شر حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی برهاند، برداشتن گام های جدی در جهت سازمان دهی مبارزه پیگیر و آگاهانه جنبش کارگری در اتحاد و همبستگی با جنبش های اجتماعی دیگر چون جنبش زنان، جنبش دانش جویی، جوانان و مردم تحت ستم سراسر کشور، با هدف سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپایی یک جامعه نوین آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

یکشنبه چهارم دی ۱۳۹۰ - بیست و پنجم دسامبر ۲۰۱۱

*یادداشت روز دیدگاه